

سلام کودکانه

یلدای دوست داشتنی

امشب شب یلداست. ما مثل هر سال به خانه مادر بزرگ می‌رویم. دور هم جمع می‌شویم. فرقی ندارد، کوچک و بزرگ با هم بازی می‌کنیم، حرف می‌زنیم، دیوان حافظ می‌خوانیم و خوردنی‌های خوشمزه می‌خوریم. فکر می‌کنم آدم بزرگ‌ها هم به اندازه بچه‌ها یلدا را دوست دارند، چون مامان و بابا هم مثل من و خواهرم هستی، برای رسیدن شب یلدا لحظه‌شماری می‌کردند.

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و ...

✉ ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ 📞 ۰۲۰۰۰۹۹۹

شعر

تولد

دیشب که پاییز
می‌رفت از این جا
یک دانه برف
آمد به دنیا

چرخید و خندید
بر شاخه لم داد
از بس که قل خورد
یک دفعه افتاد

زودی گرفتش
یلدای زیبا
مامان او شد
بوسید او را

شاعر: زهرا داوری

تصویر سازی ها : سعید مرادی

شاعر: محبوبه صمصام شریعت

یه قصه از قدیم
یلدا می‌خونه براش
می‌شیند دور سفره
کلاغه با بچه‌هاش

یلدا براش آورده
انار دونه دونه
گذاشته توی سفره
چهارتا قاچ هندونه

کلاغه با قار و قار
می‌گه: «رسیده یلدا
فردا زمستون میاد
با کوله بار سرما»

شعر

فردا زمستون میاد!



شهرقصه

اناری که جا مانده بود

۱ شب یلدا بود. انارک، بالای بلندترین شاخه درخت انار، در یک باغ پر از درخت انار بود. انارک خیلی ناراحت بود چون آقای باغبان همه انارهای روی درخت را چیده بود، به جز او! مامان بزرگ و شوهرش آقای باغبان، منتظر مهمان‌هایش بود. منتظر نوه‌های کوچولو تا برایشان، توی کاسه‌های قشنگ انار دانه کرده، بریزد. انارک، همه سال با دوست‌های اناری‌اش، نقشه کشیده بودند تا شب یلدا برسد و آن‌ها دسته جمعی به مهمانی مامان بزرگ بروند.



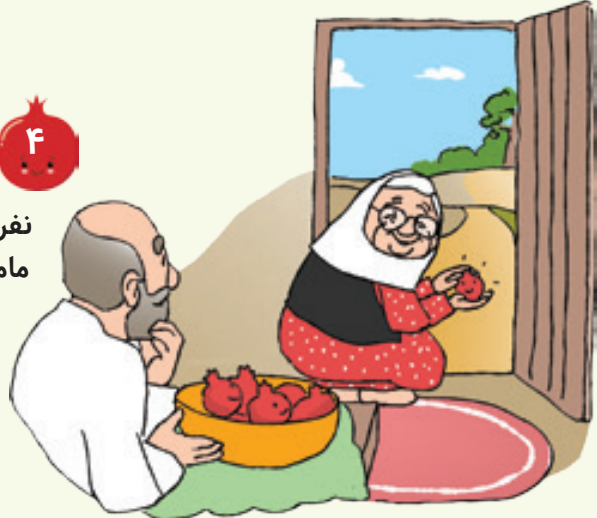
۲ خانه مامان بزرگ، آن طرف باغ بود. حتی خود مامان بزرگ هم یک روز آمد زیر درخت انار ایستاد و به انارک و بقیه انارها نگاه کرد. بعد گفت: «همه شما این شب یلدا مهمان خانه خودمید!» وقتی آقای باغبان همه انارها را چیده بود، انارک‌هی خودش را تکان داد، تا برگ‌ها کنار بروند و آقای باغبان هم او را ببیند، اما آقای باغبان او را ندید.



۳ انارک گفت: «خدا یا! می‌خوام این شب یلدا پیش مامان بزرگ و نوه‌هاش باشم!» همان موقع باد تندی آمد و انارک را از شاخه چید و با خودش توی هوا چرخاند. انارک چشم‌هایش را بست، آخر آقای باد خیلی تند می‌چرخید. یک دفعه، آقای باد انارک را رها کرد. انارک روی زمین پشت در خانه مامان بزرگ افتاد.



۴ صدای یک نفر را شنید که پرسید: «مامان بزرگ! باز هم مهمون دعوت کردی؟ یک نفر به در زد!» مامان بزرگ، در را باز کرد و انارک را پشت در دید. انارک را برداشت و با دست‌های پیرش ناز کرد. گفت: «بله یه مهمون کوچولو دیگه! انار کوچولو اومده جشن شب یلدا!»



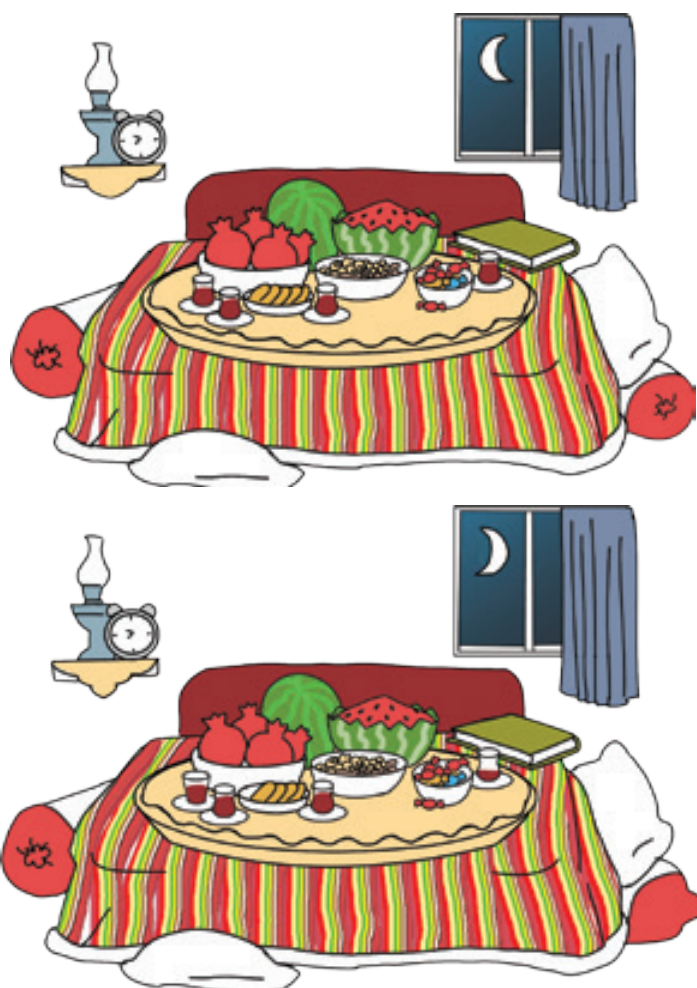
نویسنده: سمیه سپیدیان

سرگرمی

پیدا کردن اختلاف



دوستان گلم با دقت به این دو تصویر نگاه کنید و هفت اختلاف بین آن‌ها را پیدا کنید.



هنرمند کوچولو

انگشت انار

چی لازم داریم؟

کاغذ رنگی، قیچی، مداد، خط کش

چطوری درست کنیم؟

می‌خواهیم برای شب یلدا انگشت انار بسازیم. برای این کار باید مثل شکل، دوتا انار را با فاصله از هم بکشید و بعد با خط کش، با دو خط، به هم وصل کنید. بعد با قیچی دور شکل را برش بزنید. حالا برای این که بتوانیم انگشت انار را درست کنیم باید مثل شکل روی انارهای یک خط بکشید و آن را با قیچی برش بزنید. یادتان باشد این برش‌ها باید برعکس هم روی انارها کشیده شوند. بعد دوتا انارها را روی هم بگذارید و آن برش‌ها را از داخل هم رد کنید تا انارها روی هم قرار بگیرند. حالا انگشت‌تان آماده

